



تمدن نوین اسلامی

کاری از انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی

اردوی آموزشی تشکیلاتی میثاق یاران ۲

مشهد مقدس

شهریور ماه ۱۳۹۴



فهرست :

۵.....	تمدن اسلامی از ظهور تا ثبوت
۵.....	طرح مسئله
۵.....	ظهور تمدن اسلامی
۷.....	عوامل اساسی رشد و توسعه بی تمدن اسلامی
۸.....	نهاد های تشکیل دهنده و تثبیت کننده بی تمدن اسلامی
۹.....	نتیجه گیری
۱۰.....	چیستی و شاخصه های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم
۱۰.....	طرح مسئله
۱۱.....	تعریف تمدن
۱۳.....	شاخصه های تمدن
۱۶.....	نتیجه
۱۷.....	عوامل و زمینه های شکوفایی تمدن نوین اسلامی
۱۷.....	طرح مسئله
۱۷.....	تمدن سازی نوین اسلامی به مثابه بی پیشرفت همه جانبه
۱۸.....	عوامل و زمینه های شکوفایی تمدن اسلامی
۲۲.....	نتیجه گیری

۲۳.....	آسیب شناسی ، چالش ها و موانع تمدن نوین اسلامی
۲۳.....	طرح مسئله
۲۳.....	تعریف آسیب ، چالش و مانع
۲۴.....	آسیب های تمدن نوین اسلامی
۲۵.....	چالش های تمدن نوین اسلامی
۲۵.....	موانع تمدن نوین اسلامی
۲۶.....	نتیجه گیری
۲۸.....	بررسی مولفه های تحول در ساختار های تمدن نوین اسلام
۲۸.....	طرح مسئله
۲۸.....	ساختارهای تمدن
۳۰.....	مولفه های تحول در ساختار های تمدن نوین اسلامی
۳۲.....	نتیجه
۳۳.....	تمدن نوین اسلامی ، تمدن مهدوی
۳۳.....	طرح مسئله
۳۳.....	مفهوم انتظار و شاخصه های جامعه ای منتظر
۳۵.....	مشخصه های جامعه ای مهدوی
۳۶.....	نتیجه گیری

تمدن اسلامی از ظهور تا ثبوت

طرح مسئله :

بی تردید تمدن اسلامی، یکی از با ارزش ترین و شکوهمند ترین تمدنهای تاریخ بشریت است. پشتوانه معرفتی این تمدن، عاملی اساسی در بقای تمدن اسلامی محسوب می شود.

ظهور این تمدن غنی در دوره و سرزمینی که از کمترین مظاهر تمدنی برخوردار بود و در دوره ای که جهان در گمراهی و تاریکی به سر می برد یک شگفتی به شمار می رود. هر چند پیش از آن، تمدنهایی مانند ایران باستان و روم و یونان چهره خود را به جهانیان نشان داده بودند، تمدن اسلامی چهره جدیدی از تمدن با ویژگیهای منحصر به فرد را به نمایش گذاشت .

اسلام با خود تمدنی بوجود آورد که نقطه عطفی در تاریخ بشری به حساب می آید که حلقه وصل تمدنهای جدید و قدیم است. **موضوع بررسی این است که تمدن اسلامی چگونه ظهور یافت؟ مراحل رشد تمدن اسلامی چیست؟ نهادهای تشکیل دهنده و تثبیت کننده تمدن اسلامی چیست؟**

۱. ظهور تمدن اسلامی :

هجرت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی پایه اصلی و اولیه ایجاد تمدن در تاریخ اسلام است. تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست، بلکه مقصود، تمدن ملتهای اسلامی است که عربها، ایرانیان، ترکها و دیگران را شامل می شود .

وجه اشتراک این اقوام دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی است. تمدن اسلامی توانست با بهره گیری از دستاوردهای علمی و فرهنگی تمدنهای پیشین نظیر تمدن ایران و روم تمدن متعالی و پیشرفته ای را ایجاد کند .

مطالعه در اطلس تاریخ اسلامی و چگونگی انتشار اسلام در جهان نشان می دهد که اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمینهای آباد آن روز جهان مسلط شد و قسمت اعظم آسیا، آفریقا و قسمتی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد . این مناطق با فرهنگ و دین مشترکی به هم وصل شده بودند و ساکنان آن، خود را عضو تمدن واحد و وسیعی می دانستند که مرکز مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسی اش بغداد بود.

این تمدن بیش از همه تمدنها به علم و دانش اهمیت داده و کهن ترین دانشگاه های جهان را پدید آورده و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آنها میراث عظیم و تکامل یافته ای را تحویل بشریت داد.

مدینه النبی، بستر و نقطه آغاز تمدن اسلامی :

هجرت عاملی سازنده برای تمدن، فرهنگ و اجتماع تازه است. مهاجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه به عنوان مبدأ تاریخ تمدن اسلام برگزیده می شود. هجرت نقطه عطف مهمی در پیشرفت اسلام بود؛ زیرا در پرتو آن مسلمانان از محیط فشار و اختناق رهایی یافته، وارد فضای آزاد شدند. اگر هجرت پیش نمی آمد اسلام در مکه خفه می شد و هرگز امکان رشد و گسترش نمی یافت. پس از هجرت، مسلمانان دارای تشکیلات سیاسی و نظامی شدند و اسلام در جزیره العرب گسترش یافت و بستر ساز ایجاد تمدن اسلامی گردید.

هجرت نقطه عطف مهمی در پیشرفت اسلام بود؛ زیرا در پرتو آن مسلمانان از محیط فشار و اختناق رهایی یافته، وارد فضای آزاد شدند.

مراحل تشکیل تا ثبوت تمدن اسلامی :

تمدن اسلامی را می توان با توجه به نقاط عطفی که در دوران تاریخی خود تا رسیدن به ثبوت، به خود دیده است به چند مرحله تقسیم نمود :

۱. دعوت پیامبر در مکه و در پی آن هجرت ایشان و تشکیل حکومت اسلامی در یثرب که از آن پس به مدینه النبی نامگذاری گردید .
۲. گسترش اسلام شامل انتشار دین اسلام در جزیره العرب و سپس گسترش آن در جهان متمدن آن روزگار شامل بین النهرین، ایران، روم، مصر، حبشه، هند، ماورالنهر، چین و ماچین، شمال آفریقا و سرانجام جنوب اروپا بود.
۳. مجاورت فرهنگ و تمدن نوپای اسلامی با تمدن های کهن جهان باعث شناخت و انتقال آن تمدن ها به حوزه تمدن اسلامی بود. این نهضت به شکل جدی از سده دوم آغاز و تا سده سوم و چهارم هجری ادامه یافت . این انتقال تمدن از چند طریق انجام شد :
 - الف. ترجمه: این شکل جدی ترین شکل انتقال بود و در تاریخ به نهضت ترجمه معروف گردیده است.
 - ب. تاسیس کتابخانه ها و انتقال کتابها از حوزه های تمدنی مجاور به حوزه تمدن اسلامی
 - ج. انتقال دانشمندان و به تعبیر امروز جذب مغزهای متفکر به مراکز علمی و آموزشی جهان اسلام
۴. عصر خود جوشی و شکوفایی تمدن اسلامی که از سده سوم آغاز و تا سده پنجم هجری ادامه یافت.
۵. عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی که شکوفایی آن از سده چهارم آغاز و در سده هفتم هجری به اوج خود رسید.

۶. پس از این دوران، حمله مغول و صلیبی ها صورت گرفت که زمینه ساز دوران رکود تمدن اسلام شد. هرچند تمدن اسلامی باز هم توانست در قرنهای آتی بخشهایی از اقتدار خود را بازیافته و از آن پس شاهد حرکت مسلمانان جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی هستیم .

حمله مغول و صلیبی ها زمینه ساز دوران رکود تمدن اسلام شد.

۲. عوامل اساسی رشد و توسعه تمدن اسلامی :

عوامل اساسی رشد و توسعه تمدن اسلامی شامل مهمترین مولفه هایی است که باعث شدند این تمدن به مرحله ای از اوج رسد که قرون متمادی در جهان بی همتا بود و بدون شک یکی از دلایل اصلی رکود و انحطاط تمدن اسلامی آسیب وارد شدن به این مولفه ها بود.

تشویق اسلام به علم :

توصیه و تشویق مؤکدی که اسلام در توجه به علم و علما می کرد از اسباب عمده آشنایی مسلمین با فرهنگ و دانش انسانی و در نتیجه رشد و توسعه تمدن اسلامی گردید .

آزاد اندیشی :

یکی از علل سرعت پیشرفت مسلمین در علوم این بوده که در اخذ علوم و فنون و صنایع و هنرها تعصب نمی ورزیدند و علم را در هر نقطه و نزد هر کس می یافتند از آن بهره گیری می کردند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «همانا دانش راستین ، گمشده مؤمن است هر جا آن را بیابد خودش به آن سزاوارتر است.»

رعایت اخلاق و رفتار اسلامی :

اینکه پیامبر بعثت خود را برای اتمام مکارم اخلاق و فضایل آن یاد می کند، نشان دهنده اهمیت ویژه اخلاق و رفتار است. نخستین اقدام سودمند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از ورود به مدینه، بستن پیمان دوستی میان مسلمانان مکه و مدینه بود . عقد برادری میان مهاجرین و انصار، نخستین شالوده اتحاد اسلام بود که توسط پیامبر طرح شد.

تعاون و همکاری :

یکی از عوامل رشد تمدن اسلامی تعاون و همکاری است. تعاون در کارهای خیر از جمله سفارشهای قرآن کریم است که می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»

وحدت و همگرایی

قرآن کریم در آیات متعددی، مسلمانان را به اتحاد دعوت نموده و با محور قرار دادن توحید، همه را به ارتباط با خدا یا چنگ زدن به ریسمان محکم الهی فرا خوانده است آن جا که می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا.»

پیامبر وحدت و همگرایی را با زیباترین نحو تحقق بخشید و از اجتماع دینی بنام امت یاد می کرد، که از هر گونه رنگ و بوی ملی، نژادی، قومی و قبیله ای عاری است. لذا آن حضرت امت واحده تشکیل داد.

نهادهای تشکیل دهنده و تثبیت کننده تمدن اسلامی :

هر تمدنی که در عرصه جوامع مختلف شکل می گیرد متشکل از نهادهایی است که اسلوب کلی و چارچوب استقرار آن تمدن را تشکیل می دهد. تمدن اسلامی دارای نهادهایی بوده است که ستونهای خیمه این تمدن بوده است. مهمترین نهادهایی که می توان از آنها نام برد چنین است :

نهادهای حکومتی : مهم ترین نهاد تمدن اسلامی، نهاد حکومت است . با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه اولین نهاد تمدن اسلامی نیز شکل گرفت . گسترش اسلام به خارج از مرزهای شبه جزیره عربستان لزوم اداره این سرزمینها و ساکنان آنها موجب شد تا دستگاههای مختلف اداری به نام دیوان به وجود آید. این دیوان ها بسته به نوع فعالیت، نام های مختلفی به خود گرفت از جمله :

الف) دیوان خراج یا استیفا : وظیفه این دیوان سرپرستی امور مالی سرزمینهای اسلامی بود.

ب) دیوان برید : این دیوان برای خبررسانی، انتقال فرامین و اخبار از اطراف به مرکز و بالعکس فعالیت می نمود ولی کم کم تبدیل به مهمترین سازمان امنیتی سرزمینهای اسلامی شد .

مهم ترین نهاد تمدن اسلامی، نهاد حکومت است.

ج) دیوان انشاء یا رسائل : وظیفه اصلی این دیوان تنظیم و ارسال نامه ها و فرامین خلفا و حکام به سراسر قلمرو اسلام بود.

د) دیوان جیش یا جند : وظیفه این دیوان در آغاز تأسیس، سرشماری و تهیه اسامی شرکت کنندگان در جنگهای صدر اسلام بود تا سهم هر یک به میزان شرکت در آنها محاسبه شود. به مرور زمان وظیفه این دیوان گسترش یافت و سرپرستی نیروهای نظامی و تهیه آمار جنگاوران و تهیه سلاح و لوازم نبرد و همچنین پرداخت حقوق نظامیان بر عهده این دیوان نهاد شد .

ه) دیوان مظالم : یکی از دیوانهای بزرگ اسلامی که می توان آن را با دادگستری امروز مقایسه نمود، دیوان مظالم است .

مراکز علمی : غیر از نهادهای سیاسی، اجتماعی نهاد مهمتری وجود داشت که نقش اصلی را در گسترش و استحکام تمدن اسلامی به عهده داشت . نهادهای علمی از مراکز مختلفی تشکیل شده بود که در ادامه به چند نمونه از آن پرداخته می شود :

الف) مسجد : مسجد به عنوان محل تجمع و عبادت نقش خاصی را در عصر نبوی به عهده داشت و علاوه بر مرکزیت اداری سیاسی، محل علم و آموزش و محلی برای وعظ و ارشاد و حل و فصل اختلافات مسلمین و نخستین مرکز تعلیم به شمار می رفت .

ب) بیت الحکمه : نخستین مرکز رسمی جهت گسترش علوم و فنون ، بیت الحکمه نام داشت که در بغداد عصر عباسی تأسیس شد. اساس آن از کتابخانه ای کوچک پایه ریزی شده بود و در زمان مأمون توسعه یافت. این مراکز همانگونه که پیشتر گفته شد مرکز انتقال علوم از طریق ترجمه بودند. نهضت ترجمه که دوره ای مهم در تاریخ علم اسلامی می باشد در این مرکز گسترش یافت.

ج) مدارس نظامیه : از دیگر نهادهای علمی - فرهنگی ، که در شکوفایی فرهنگ اسلامی تأثیری شگرف داشت، نظامیه ها بود. در نیمه سده پنجم هجری، خواجه نظام الملک ، با تأسیس مدارس بنام نظامیه در بغداد و نیشابور و دیگر شهرها، نهادی شبیه به دانشگاه های امروز را پایه گذاری کرد .

نتیجه گیری :

هر تمدنی که مراحل رشد و بلوغ خود را طی می نماید بر ستونهایی استوار می گردد. تمدن اسلامی که با هجرت پیامبر به مدینه آغاز گردید با مراحل مهمی در فرایند توسعه روبرو بود که عنوان گردید . آنچه ضروری است درک این نکته است که برای گسترش و پیشرفت هرچه بیشتر تمدن اسلامی می بایست علاوه بر مطالعه تاریخ این تحولات، از روشها و فعالیت هایی بهره گرفت که در طول این دوران باعث رشد سریع تر تمدن اسلامی گردیده است.

چیستی و شاخصه های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم

طرح مسئله :

هر انسانی دارای نیازهای سه گانه فردی، جمعی و تمدن است. این دسته بندی از آنجا صورت گرفته که برخی کارهای انسان، با هدف پاسخگویی به نیازهای جسمی، روحی و روانی اش انجام می پذیرد؛ مانند: چگونگی نظافت و غذا خوردن شخصی؛ برخی دیگر بر اساس روابط اجتماعی او با هم نوعان، محیط زیست و نیروهای مثبت و منفی عالم هستی و اداره کنندگان و مدیران جامعه بشری به وجود می آید که از این دسته، به نیازهای اجتماعی یاد می شود. دسته سوم از نیازهای او که در زندگی اش اثرگذار است، ساختارها و سیستم هایی است که بر اثر حرکت برآیندی و جمعی انسان در اداره عالم هستی، به وجود می آید. به عنوان اصل موضوعه در مبانی کلامی اجتهاد اثبات گردیده است که منابع دین - که عبارتند از قرآن کریم، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و عقل توحید محور پاسخگوی همه نیازهای بشری هستند؛ لذا در صورتی که دین ظرفیت پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی را دارد، باید بتواند به نیازهای تمدنی که ساختارها و سیستم های اداره کننده جامعه بشری در بستر تاریخ می باشند، پاسخی پایدار بدهد.

سؤالی که مطرح می شود این است که در اولین قدم، تمدن و شاخص های آن، چگونه تعریف شوند تا بر اساس آن در راستای پاسخ گرفتن از منابع دین و قرآن کریم، نسبت به یکی از نیازهای سه گانه انسان (سیستم های اداره کننده زندگی) بتوان با رویکردی اجتهادی حرکت کرد؟

به نظر می رسد که ابتدا باید تمدن و شاخصه های آن را با رجوع به منابع دین و قرآن کریم تعریف نمود تا پاسخ مناسبی درباره چیستی تمدن اسلامی و شاخص های آن بدست آید و در نتیجه بتوان به هدف آماده سازی بستر معرفتی جهت تحقق منویات مقام ولایت، به عنوان ناخدای تمدن اسلامی دست یابیم. ایشان به عنوان مقدمه تمدن سازی، پرداختن به علوم انسانی اسلامی و ضرورت پرداختن به مدل های اداره کننده جامعه بر اساس آموزه های دینی و توجه به جامعه آرمانی را مطرح نموده اند.

اختلالی که از عدم تبیین مفهومی از چیستی و شاخص های تمدن به وجود می آید، این است که عملیاتی شدن دیدگاه های رهبری (حفظه الله) در جامعه، با مشکلات عدیده و چه بسا شکست مواجه خواهد شد؛ خصوصاً زمانی که انسان به بیش از صد و چهارده تعریف گوناگونی که از سوی اندیشمندان شرق و غرب عالم در طول تاریخ بیان گردیده مراجعه می کند، سردرگمی در بین این تعاریف را به خوبی احساس می نماید.

به عنوان مقدمه تمدن سازی، پرداختن به علوم انسانی اسلامی و ضرورت پرداختن به مدل های اداره کننده جامعه بر اساس آموزه های دینی و توجه به جامعه آرمانی مطرح شده است.

توانایی دین در پاسخگویی به نیازهای سه گانه انسان، سیستمی بودن دین و راهبردی بودن گزاره های آن، و نهایتاً قاعده وضع الفاظ برای روح معنا جزو ارکان اساسی در طراحی تمدن اسلامی اند.

پیش فرض اخیر به این معناست که الفاظ منابع دین بر معانی کلی دلالت می کنند. به طور مثال، در قرآن کریم که آیه «تبت یدا ابی لهب و تب» بیان گردیده است، مراد از ابی لهب، تنها شخصی خاص نیست؛ بلکه این آیه، اشاره به هر شخص، رابطه اجتماعی، و سیستمی دارد که به نوعی در مسیر هدایت گری ولی خدا در جامعه، به سبب قوم گرایی، کینه، حسد و نقص های درون سازمانی اختلال ایجاد می نماید و خداوند متعال با لحنی نفرین گونه، دستور جلوگیری از اختلالات ناشی از چنین عملکردی را می دهد. ابی لهب دلالت بر این معنای کلی می کند؛ به این نحو که شخص مذکور، به عنوان نماد هر موجود اخلاخل گر در مسیر هدایت گری ولی الهی است.

تعریف تمدن :

تعریفی که از تمدن قرآنی می توان ارائه داد، بدین بیان است : شبکه پایدار ساختارها و سیستم های معرفتی، قانونی، فرهنگی و هنری، زندگی در مقیاس حرکت جمعی، جهت پاسخگویی به هرم نیازهای تک تک انسان ها در سه لایه فردی، جمعی و بین اجتماعی.

عناصر موجود در تعریف به ترتیب عبارتند از :

وجود و فعال بودن «سیستم و ساختار» (غیر وابسته به افراد)

وجود سه ابرسیستم «معرفتی و نگرش ساز»، «قانونی و حقوق ساز» و «فرهنگی و اخلاق ساز» (عقلانیت تبلور یافته در سه حوزه)

شبکه ای بودن این سه ابرسیستم و زیرسیستم های آنها به شکل یک هرم

کارآمدی شبکه سیستمی برای رفع نیازهای حیاتی، متوسط و متعالی

کارآمدی برای پاسخگویی به نیاز تک تک افراد جامعه (از نوزاد متولد شده تا پیران فرتوت غیرقابل نگهداری)

کارآمدی برای پاسخگویی موازی به کلیه لایه های هرم نیازها

مفهوم تمدن به مثابه مفهومی عام در نظر گرفته شده که دارای زیرسیستم های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری است که تحت اشراف ابرسیستم های قانونی، اخلاقی و معرفتی برای پاسخگویی به هرم نیاز های سه گانه قرآنی، شکل می گیرد .

سیستمی دیدن مفاهیم دینی و اثرگذار بودن ساختارها بر حرکت انسان، انگیزه طراحی تمدن قرآنی است

در مقابل، برخی اساساً تمدن را مفهومی ذهنی و یا غیر قابل تعریف و زاییده بافته های فلاسفه در طول تاریخ می دانند و برخی دیگر در نگاهی تک ساحتی یا چندبعدی، تنها به ابعاد مادی و سخت افزاری تمدن توجه نموده اند . آن چه در ادامه می آید، منتخبی از تعاریف موجود در این زمینه است :

۱. به ازدیاد صنایع و کارخانجات سنگین و مرتب بودن وضع کارگران و استقلال فکری و آزادی خواهی کامل (و وجود) حس ناسیونالیستی، تمدن گویند .
 ۲. تمدن اصولاً به شیوه ای از زندگی اشاره دارد که با نظامی ویژه برای تولید ثروت همراه است ... و هیچ واژه دیگری این همه موضوعات گوناگون مانند تکنولوژی، زندگی خانوادگی، مذهب، فرهنگ، سیاست، تجارت، سلسله مراتب، رهبری، ارزش ها، اخلاق جنسی و معرفت شناسی را به شایستگی دربر نمی گیرد و تغییر در مجموعه این پدیده ها، موجب به وجود آمدن تمدن جدید خواهد شد. (تافلرها، الوینو)
 ۳. پدیده به هم تنیده ای که جمیع رویداد های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هنری، ادبیات و علم را در خود گرد آورده است . (هنری لوکاس)
 ۴. آینده ای از فراگردهای اجتماعی گوناگون است که از جمله صورت بندی های دولت، و توسعه نظام های فرهنگی و مذهبی را شامل می شود .
 ۵. ویل دورانت تمدن را نظامی اجتماعی می داند که طی آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده و جریان مییابد و ظهور آن منوط به برقراری امنیت و پایان یافتن هرج و مرج است. به نظر او، عوامل مختلفی در حوزه های جغرافیایی، نژادی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، عقلی و روحی، تمدن سازند. او برای تمدن، چهار رکن اساسی قائل است: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر
- با مطالعه تعاریف فراوان موجود در زمینه مفهوم تمدن، پناه آوردن به منابع دین و ارائه تبیینی شفاف از چیستی و شاخص های قرآنی تمدن ضروری است.

در تعریف مختار با نگاهی کلان و برآیندی، تمدن به گونه ای تعریف شده است که موارد فوق، تحت سیستم ها و زیرسیستم های تمدنی قرار می گیرند. به طور مثال، دولت جزء ساختار های سیاسی قرار دارد و خط و الفباء و زبان، جزء زیرسیستم های فرهنگی است.

برخی دین را جزئی از تمدن دیده و یا این که نگاهی تک بعدی به مقوله تمدن دارند؛ اما در نظر مختار، برای تمدن هویتی ساختاری در راستای پاسخگویی به نیاز های سه گانه از منابع راهبردی دین ارائه گردیده است.

تفاوت اصلی تعریف مختار با سایر تعاریف موجود در این زمینه، همه جانبه نگر دیدن تمدن در مقابل تعریف تک ساحتی یا چند ساحتی آن است.

شاخصه های تمدن :

بعد از تعریف پدیدارشناسانه با رویکرد تحلیل مفهومی از تمدن، برای تبیین این که آیات قرآن تا چه حد و مرزی باید ارائه شاخص کند، در این قسمت برخی از شاخص های تمدن اسلامی، در قالب مفاهیم کیفی بیان می گردد تا با روشی صحیح، به سنجه های کمی تبدیل گردند.

۱. شاخص امنیت و رزق در تمدن :

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»

ترجمه: «خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می رسید؛ اما به نعمت های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.»

از آنجا که هر مکان آبادی از افرادی که با یکدیگر روابط اجتماعی دارند و بر اثر آن روابط اجتماعی، ساختارها و سیستم هایی در آن منطقه بوجود می آید می توان هر حکمی را که آیه برای قریه گفته است، برای هر یک از افراد و روابط اجتماعی و ساختارهای حاکم بر آن قریه هم تسری داد و هر شاخصی را که خداوند برای قریه در آیه مطرح نموده است برای سایرین (تک تک افراد، روابط اجتماعی افراد، ساختارها و سیستم های بوجود آمده از روابط اجتماعی آنان) بر شمرد. از این رو شاید بتوان اینگونه استظهار کرد که در این آیه خداوند بیان می دارند که شاخص هایی که برای قریه ذکر شده است، به نوعی برای ساختار های پاسخ دهنده نیاز های افراد هم باید وجود داشته باشد، تا امنیت و رزق مورد نیاز برای اهل آن قریه فراهم

گردد؛ لکن به سبب ناسپاسی (که این ناسپاسی می تواند در ناحیه عمل فردی یا عمل جمعی یا ساختار حاکم بر آن قریه باشد) مورد عقاب قرار گرفتند. به عبارتی خداوند به سبب ساختارهای ظالمانه ای که بر شهر حاکم شده بود ساختارهای حاکم بر طبیعت که سبب فراهم شدن امنیت و روزی مطمئن بود را از قریه برچید و این نعمت ها به عذاب مبدل شدند .

دو شاخص امنیت و رزق را می توان به عنوان دو شاخص مهم در زندگی انسان بر شمرد که با وجود یا عدم وجود این دو شاخص، خداوند اهل قریه ای را نعمت یا عذاب می کند.

در نتیجه بر اساس اینکه الفاظ قرآن برای روح معنایی وضع شده اند و با توجه به جهان شمولی آیات قرآن، می توان گفت که منظور از قریه، هر آن چیزی است که بر اساس حرکت جمعی انسان به وجود می آید. به عبارتی می توان شهر، روستا، کشور و هم چنین هر آن چه بر اساس حرکت جمعی انسان به وجود می آید که عبارتند از ساختارها و سیستم های اداره کننده زندگی، از جمله مصادیق قریه برشمرد .

در ادامه با توجه به اینکه مفاهیم دینی شبکه ای هستند می توان شاخص ها را به امنیت و رزق شبکه های تعمیم داد؛ به این بیان که در تمدن اسلامی، سیستم های اداره کننده باید به گونه ای طراحی شود که از حیث جسمی، ذهنی و روحی و در بعد تنظیم روابط اجتماعی، امنیت جسمی، ذهنی و روحی (آماده بودن بستر رشد روح) و رزق شبکه ای برای آحاد افراد جامعه را فراهم کند.

منظور از **رزق و امنیت شبکه ای**، ایجاد آن دو در پنج لایه جسمی، ذهنی، روحی و روابط اجتماعی و ساختارهای اداره کننده روابط اجتماعی است، که از آن به لایه های پنج گانه یا شبکه، تعبیر می گردد.

منظور از **امنیت و رزق جسمی**، برخورداربودن تمدن از سیستم های بهینه ای است که سبب ایجاد امنیت یا تولید روزی مناسب برای جسم و نیز اموری مانند سیستم بهداشت و تغذیه مناسب و غیره می گردد.

رزق ذهنی، منبع تغذیه کننده ذهن انسان است که بهینه کردن سیستم آموزش و پرورش و رسانه ها و غیره را به عهده دارد. از جمله سیستم هایی که **رزق روحی** را فراهم می کنند و یا به نوعی به سیستم های تغذیه کننده روح انسان ها مرتبطند، می توان به مراکز عبادی، حوزوی و اماکن متبرکه اشاره نمود که افراد در آن جا به تأمین غذای روح خود و راز و نیاز با خداوند متعال می پردازند.

۲. شاخص تکذیب گرای (به عنوان شاخص عدمی)

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»

ترجمه: «پیش از شما در جهان، سنت‌ها و روش‌هایی وجود داشتند. در زمین سیر کنید و نظر عبرت به کار برید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چه شد؟»

در سیستم‌های تمدن اسلامی، دروغ سیستمی رواج ندارد؛ یعنی افراد برای توجیه و پوشاندن ضعف‌های خود، گزارشات دروغین به مردم و مسئولین بالادست خود ارائه نمی‌دهند. چرا که عاقبت چنین ساختارهایی، نابودی تمدن خواهد بود؛ در حالی که حرکت سیستم‌های تمدنی به نوعی است که سبب ایجاد عزت و قدرت تمدن اسلامی می‌گردد.

از این رو سیستم‌های گزارش‌دهنده و آمار و برنامه‌بوجه و برنامه‌ریز و تمام سیستم‌های اداره‌کننده یک تمدن به گونه‌ای باید طراحی شوند که سبب رواج این شاخص در مجموعه خود نگردند.

۳. شاخص پرورش عالمان متعبد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی به شما گفته می‌شود در مجالس به یکدیگر جا بدهید، جا دهید تا خدا هم جای شما را در بهشت وسعت دهد و وقتی هم گفته می‌شود برخیزید تا شخص محترمی بنشیند، برخیزید. خدای تعالی مؤمنین را به یک درجه، و علم‌داده‌شدگان را به چند درجه برتری داده و خدا بدانچه می‌کنید با خبر است.»

انتهای آیه ظهور بر برتری جایگاه عالمان متعبد در جامعه اسلامی دارد و بنا بر روشی که در شاخص شماره یک بیان گردید به طریق اولی به برتری جایگاه عالمان متعبد در سیستم‌های اداره‌کننده جامعه دلالت می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت در سیستم‌های اداره‌کننده جامعه، دانایان با نادانان برابر نیستند؛ این سیستم‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به جای روابط فامیلی، و زد و بند‌های اداری، شایسته‌سالاری بر ادارات و وزارت‌خانه‌های کشور حاکم گردد.

۴. شاخص پرورش افراد خاشع و اهل ذکر

«أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» ترجمه: «آیا کسی که در اوقات شب در حال سجده و ایستاده به عبادت مشغول است و از آخرت می‌ترسد و امیدوار رحمت پروردگار خویش است، مانند از خدا بی‌خبران

است؟ بگو آیا آن‌ها که می‌دانند و آن‌ها که نمی‌دانند یکسانند؟ هرگز؛ ولی تنها کسانی متذکر می‌شوند که دارای خرد باشند.»

از این آیه شاخص ضرورت تربیت افراد خاشع و متوجه حضور خداوند در طول زندگی بدست می‌آید که بر اساس آن (بنابر روش شاخص شماره یک) ساختارهای تمدن قرآنی، باید به گونه‌ای طراحی شود که سبب تربیت افراد خاشع و متوجه حضور خدا در اجتماع گردد؛ به طور مثال سیستم‌های فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و معرفتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که کار کردن در آنها سبب خضوع و خشوع بیشتر افراد و احساس حضور خداوند در زندگی فردی و اجتماعی‌شان گردد، چرا که اهل خشیت قادر به خدمت‌رسانی بهینه و کامل به جامعه و حکومت خویش می‌باشند؛ از این رو در تمدن اسلامی ساختارها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که خروجی‌های آن دارای چنین شاخصه‌ای باشند. نه اینکه ساختارها سبب گردد افراد جامعه به سمت زراندوزی و مصرف‌گرایی و تولید ثروت از مسیرهای خیالی و کاذب و یا به سمت کسب قدرت و درآمد‌های نامشروع حرکت نمایند.

مثال عینی که امروزه در جامعه اسلامی مشاهده می‌شود، تبلیغات رسانه‌ای به عنوان یکی از ابزارهای تمدن‌ساز در راستای فروش رفتن محصولات شرکت‌ها و کارخانجات است که در مقابل آن‌ها، با قرعه‌کشی، خریدار به طور ناگهانی صاحب میلیون‌ها پول یا یک دستگاه ماشین می‌گردد.

برایند این نوع کارها و برنامه‌ها، ایده‌ای را در جامعه ترویج می‌نماید که خلاف ترویج شاخصه خشوع و توجه نسبت به خداوند متعال و یا علم‌آموزی و تفکر و روحیه کار است. توجیه این خیانت بزرگ که در درازمدت سبب انحطاط تمدن اسلامی می‌شود، تامین هزینه‌های رسانه و فروش محصولات آن شرکت‌ها و کارخانجات به قیمتی غیر واقعی است. ضمن اینکه این رویه، روحیه پول‌داری از راه‌های آسان و توجه به شانس به جای توجه به رازقیت خداوند متعال را افزایش می‌دهد و باعث کم‌رنگ شدن روحیه کار و تلاش جهت آبادانی کشور می‌گردد.

نتیجه :

با توجه به تعریف تمدن و برخی شاخص‌های آن، مانند: شایسته‌سالار، پرورش عالمان متعبد، و افراد خاشع و فراهم‌کننده امنیت و رزق شبکه‌ای، به نظر می‌رسد که پرداختن به این مهم، به کاری روشمند و گروهی از سوی عالمان حوزه و دانشگاه نیاز دارد و در این راستا هر چه افراد گروه، توانایی و تسلط بیشتری بر روشهای تحقیق شبکه‌ای و سیستم‌سازی داشته باشند، در طراحی سیستم‌های تمدن‌ساز دینی، موفق‌تر عمل خواهند کرد.

عوامل و زمینه های شکوفایی تمدن نوین اسلامی

طرح مسئله :

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی را طی نمود، در حالی که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت های تکنولوژیک و ایجاد و بهره برداری از ابزارهای مختلف، قدم های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان ها برداشت. ضعف های داخلی حکومت های اسلامی و خود کم بینی مفرط ملت های مسلمان در رویارویی با پیشرفت های غرب، باعث گردید عده ای از غرب زدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند. با این وصف، علی رغم تمام پیشرفت های صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است دست یابد.

بیداری اسلامی که طی دو قرن اخیر از سوی اندیشمندان مسلمان پی ریزی و دنبال شده در پی آن بوده است که دوران باشکوه این تمدن را باز گرداند. تمدن نوین اسلامی در پی آن است که ضمن بهره برداری از امکانات و ابزارهایی که در اثر پیشرفت های علمی و فنی تمدن غرب به دست آمده است، در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی بشر را نیز به او عطا نماید. **به نظر می رسد برای رسیدن به این هدف، ضروری است روشن گردد چه عوامل و زمینه هایی باعث بازگشت شکوه گذشته تمدن اسلامی و در پی آن، شکوفایی تمدن نوین اسلامی خواهد شد؟ جنبه های اصلی تمدن چیست و در تمدن نوین اسلامی کدام بخش می بایست مورد توجه و اهتمام بیشتری قرار گیرد؟**

تمدن سازی نوین اسلامی به مثابه پیشرفت همه جانبه :

در جهت ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، ضروری است که به طور همزمان هر دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن مورد توجه قرار گیرد. جنبه ابزاری آن گروه از ارزش هایی است که در نظر اغلب افراد شاخصه های پیشرفت محسوب می گردد، مواردی نظیر علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. جنبه حقیقی تمدن، شاکله های اصلی زندگی یا همان سبک زندگی است که از مواردی همچون مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط و زبان، مسئله کسب و کار و رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان ها تشکیل می شود.

در تمدن سازی نوین اسلامی، علاوه بر تلاش در عرصه پیشرفت در جنبه ابزاری، اهتمام اصلی در جنبه حقیقی تمدن که همانا سبک زندگی انسان است باید صورت گیرد. در این راستا می بایست نیازهای اساسی و بنیادین بشر در نیل به پیشرفت در جنبه حقیقی تمدن و ارائه سبک زندگی اسلامی مورد مذاقه قرار گیرد. آنچه در پیشرفت و تمدن از نوع غربی مورد غفلت واقع گردیده و یا مسیر درستی را طی نکرده است همین بخش است.

عوامل و زمینه های شکوفایی تمدن نوین اسلامی :

۱. **خودباوری و باور به موفقیت :** آنچه باعث می گردد هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. این باور در ذات خود نیرویی به انسان می دهد که تلاش او را چندین برابر می نماید. اعتقاد داشتن به این که کاری می تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وا می دارد.

وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است ، فکرتان راه های انجام آن را می یابد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه حل های خلاق ، هموار می سازد ؛ در حالی که باور داشتن به عدم تحقق آنها، تفکری ویران گر است. باور به اینکه می توان تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود .

۲. **عمل به تعالیم قرآن :** در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان تبیین کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد . بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند.

خداوند متعال می فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.» (نحل: ۸۹) بر این اساس، برای ساختن تمدن نوین اسلامی می بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح ریزی نمود .

دوری از معنویات باعث گردیده است که علی رغم همه پیشرفت های علمی و صنعتی، عدم دستیابی به آرامش، جامعه غرب را در پی معنویات بکشاند. این نکته از روند رو به گسترش روی آوردن به اسلام در این جوامع به خوبی آشکار می باشد.

۳. **اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی:** عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره مندی از قوه عاقله در جهت گرایش های عالی انسانی و الهی تعقل می کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می دهد.

«در واقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی بوجود نمی آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و ... و معارفی که امروز بشر بدانها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند.»

۴. **اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام در گستره عقل معاش (سبک زندگی اسلامی):**

در تمدن سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی کم و کاست تعالیم اسلام باعث آن خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه های مختلف جلوگیری گردد. اسلام هراسی که امروزه به شدت از سوی بنگاه های تبلیغاتی غرب ترویج می گردد ناشی از برخی کج فهمی ها و کج روی ها در عمل به تعالیم اسلام است.

در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح عقل معاش نام برده شده است. عقل معاش را می توان در مفهوم جامع خود مترادف سبک زندگی دانست، زیرا ناظر به مهمترین محورهای سبک زندگی است، عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است که به فردی که در جامعه زندگی می کند و به نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت موثر را می دهد. عقل معاش با شاخص هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بسیاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد. در این عرصه با توجه به تاکیدات پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می توان موارد زیر را مورد اشاره قرار داد:

الف. انضباط کاری: انسان در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد و هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهد. از آثار و نتایج نظم و انضباط، محکم کاری است. کسی که منظم و منضبط است، کارهایش را به گونه ای انجام می دهد که استوار و پایدار باشد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «بدرستی که خداوند دوست دارد وقتی یکی از شما کاری را انجام می دهد، آن را محکم و استوار کند.»

ب . تناسب نوع کار با استعداد آدمی : استعداد فرد با نوع کاری که دارد باید تناسب داشته باشد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: «اعملوا فكلَّ ميسرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ» «همه شما کار کنید، اما متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده است که آن کار را بهتر و با سهولت انجام می دهد»

ج . پرهیز از بطالت و بیکاری : پیامبر به شدت از تنبلی و بی کاری متنفر بودند و می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ» «خدایا از غم و اندوه و ناتوانی و تنبلی به تو پناه می برم.» باور ما این است که تنبل در رسیدن به آرزوها ناکام می شود، کاهلی به نوعی مردن پیش از وقت است، آفاتی مانند دلسردی، ملولی و تباهی و نیازمندی را به دنبال دارد. اندیشه یک انسان بیکار کارگاه شیطان می شود. در نزد خدا انسانی که اساس زندگی را بر بیکاری می گذراند، جایگاهی ندارد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «خدا جوان بیکار کاهل را دوست ندارد»

مصادیق به کارگیری عقل معاش در بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله: ۱- انضباط کاری ۲- تناسب نوع کار با استعداد آدمی ۳- پرهیز از بطالت و بیکاری

۴ . پرهیز از تقلید : لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن های غربی است. در دوره ای فردی مثل تقی زاده که در بین چهره های روشنفکر غربگرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود «اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد»

تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب از هم گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت هاست.

۵ . اتکا به نیروی جوان: جامعه ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است ضرورت دارد در جهت رسیدن به این هدف متکی به خود باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. نیروی جوان، سرمایه ای بس گرانبها برای هر جامعه ای است. تمدن سازی نوین دارای مشکلات و دشواری هایی است که صبر و استقامت و پشتکاری می طلبد که جز با توسل به نیروهای تازه نفس و جوان امکان پذیر نخواهد بود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی می فرماید: «أَوْسَعُوا لِلشَّبَابِ فِي الْمَجْلِسِ وَأَفْهَمُوهُمْ الْحَدِيثَ فَإِنَّهُمْ الْخُلُوفُ وَأَهْلُ الْحَدِيثِ» «برای جوانان در مجالس جای باز کنید، و امور نو و جدید را به آنان تفهیم کنید، چرا که این گروه جایگزین شما و درگیر مسائل جدید خواهند شد.»

۶. استفاده از مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی :

اگر چه مساجد معمولاً به عنوان مکانهای مقدس و کانونهای عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی در نظر گرفته می شوند، اما از کارکردهای مهم آموزشی و فرهنگی آن در طول تاریخ نمی توان چشم پوشی نمود. کارکردهایی که امروزه نیز می بایست مورد توجه قرار گیرد. تا قبل از تشکیل مدارس به طور رسمی، مساجد نقش تعیین کننده ای در پیشرفت علمی و آموزشی بلاد اسلامی به عهده داشته اند چرا که محتوای علمی که در دوران ابتدایی ظهور اسلام نشر داده می شد در ارتباط با مسائل مذهبی و دینی و معارف مرتبط با قرآن بوده است.

بر طبق منابع و متون تاریخی، نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش قرآن کریم بوده است.

به نوشته استاد جلال الدین همایی «در ابتدا حوزه ها و حلقه های درس در مساجد تشکیل می شد، احیاناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره ای از آنها کتابخانه های عظیم نیز داشتند»

برای ایجاد، گسترش و همگانی نمودن تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی لازم است به این پایگاه مهم دینی اجتماعی توجه کافی مبذول گردد.

حسنین هیکل در این باره می نویسد: «در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نمی باشد و آن نهاد مسجد است. با این نهاد نمی توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد، زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق ترین و گرامی ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می کنند.»

بنابراین امروزه مساجد هر چند که به عنوان نهادهای سنتی در جامعه قلمداد می شوند، اما با ارائه کارکردهای مثبت و متناسب با نیاز روز جامعه می توانند همسطح با رسانه های مدرن و چه بسا پیشروتر ظاهر شوند چرا که بواسطه ارتباطات مستقیم میان ارتباط گران و مخاطبان، روابط چهره به چهره و دریافت بازخوردهای فوری و تأثیرات عاطفی و احساسی می توانند به عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش بپردازند و بنیانهای اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه ریزی کنند.

نتیجه گیری :

با تمرکز بر جنبه های ابزاری و حقیقی تمدن نوین اسلامی آن به این نتیجه دست می یابیم که آنچه به عنوان بخش اصلی و حقیقی تمدن که زیربنا و محرک اساسی جنبه ابزاری تمدن نیز می باشد همانا اهتمام به سبک زندگی است. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است.

از این رو در جهت شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می بایست عوامل و زمینه های زیر در ارائه سبک زندگی اسلامی و ایجاد تمدن نوین مورد توجه قرار گیرد :

- نیاز به ایمان
- عمل به تعالیم قرآن
- اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی
- اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام
- پرهیز از تقلید
- خودباوری و اتکا به نیروی جوان
- استفاده از مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی

آسیب شناسی ، چالش ها و موانع تمدن نوین اسلامی

طرح مسئله :

تمدن نوین اسلامی که جوانه های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سال های اخیر با بروز جنبش ها و قیام های مردمی در میان ملت های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است

با توجه به عدم اقلان فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره گیری از تمدن های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مساله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است .

برای وصول به هدف حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح خود، ضروری است بررسی گردد که: **چه آسیب هایی متوجه این تمدن است؟ مهمترین چالش های پیش روی آن چیست و چه موانعی بر سر راه آن قرار گرفته است؟**

تعریف آسیب، چالش و مانع :

آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزشهای شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. در واقع آسیب مساله ای درونی است که از درون تمدن ریشه گرفته و مرتبط با شیوه رفتار مردمان است.

از سوی دیگر **چالش** به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می شود و مقابله با آنها و حل مشکل با دشواری های زیادی روبروست. چالش می تواند از سوی هر دو نوع عوامل دورنی و بیرونی ایجاد گردد، هرچند اغلب چالش ها از بیرون تحمیل می شوند.

سومین واژه، **مانع**، همچنان که از خود کلمه بر می آید به معنای بازدارنده و جلوگیری کننده است و چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می شود. از این رو و با توجه به تفاوت های این سه دسته به بیان مهمترین عوامل هر کدام می پردازیم.

آسیب‌های تمدن نوین اسلامی :

۱. **عدم پیروی از رهبری واحد:** هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدا واحدی هدایت و راهبری گردد. در اینجا نباید این موضوع با تک محوری اشتباه گرفته شود.

تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادات مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز واحدی تجمیع و مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی - و به طور خاص شیعی - محوریت این تصمیم‌گیری ولایت فقیه است.

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب‌هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می‌کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم‌گیری است.

۲. **کم تحمل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب:** حرکت‌های فرهنگی و تمدنی، به واسطه ماهیتی که دارند فرایندی زمان‌بر داشته و نیازمند صبر، استقامت، پشتکار و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل فراوانی هستند. از جمله آسیب‌های جدی که این حرکت را به شدت با مخاطره روبرو می‌کند کم تحمل بودن در رسیدن به هدف آرمانی و نتیجه مطلوب است.

۳. **انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش‌ها:** رویه حرکت‌های بیدارگرانه و ضد استعماری و با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این گونه فعالیت‌ها دارند تشخیص و دقت نظر در بطن حرکت‌ها و توجه به ماهیت آنها بسیار ضروری است. سیاست‌زدگی و افسون قدرت باعث سو استفاده از اینگونه جریان‌های مردمی و خیزش‌ها به سوی تشکیل تمدنی نوین می‌گردد.

در بعضی از موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر یافته و مبتنی بر منافع مادی و سیاسی که می‌تواند ملی‌گرایانه محض و غیر دینی باشد، نمود پیدا می‌کند و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می‌شود.

یکی از آسیب‌هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می‌کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم‌گیری است.

چالش های تمدن نوین اسلامی :

فرهنگ مهاجم غربی : تهاجم فرهنگی از جمله مهمترین چالش ها در روند استقرار تمدن نوین اسلامی در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربی که با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر بدان دست یافته است در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی خود را بر تمام جوامع بشری افکند . بدین روی تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف که همه چیز را در مادیات و منافع دنیوی می بیند در تمام جوامع تبدیل به فرهنگ غالب نماید . چالش جدی تمدن نوین اسلامی در تقابل با این تهاجم فرهنگی و بیرون راندن آن از لایه های مختلف اجتماع است.

اختلاف افکنی در میان مسلمانان : چالش بسیار جدی که امروزه اکثر کشورهای اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کنند اختلافات قومی و مذهبی است . در صورتی که وحدت در میان مسلمانان جاری گردد تحقق تمدن نوین اسلامی با سرعت بسیار بیشتری امکان پذیر خواهد بود. دشمنان به خوبی بر این نکته واقف گردیده و در تلاش هستند تا بتوانند این روند را با روش های گوناگون متوقف سازند .

طغیان مادی نگری در تفکر جامعه : مادی نگری از آثار مخربی است که تمدن غرب بر جوامعی که بر آنها تسلط پیدا می کند جاری می نماید. تفکرات صرفاً مادی و بر پایه منافع شخصی که چهره ویژه ای در مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب دارد با گسترش در میان مسلمانان چالش بزرگی را در میان اقوام و جوامع مسلمان ایجاد نموده است.

این تفکر و رویکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حوائج اقتصادی، بلکه بر ثروت اندوزی و تجمل گرایی و تکیه و توجه به منافع شخص و مادی متمرکز گردد و مهمترین مشکلی که ایجاد خواهد نمود جلوگیری از جاری شدن فرهنگ اصیل اسلامی و به تبع آن ایجاد مانع در تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

موانع تمدن نوین اسلامی :

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان : وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مولفه با مشکل روبرو شود تاثیر فراوانی بر سایر جنبه های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت . فرهنگ سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت های اقتصادی که توان اجرای آنها را داشته باشد امکان پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم ریختگی در این حوزه کمک زیادی بر پیشبرد اهداف فرهنگی

خواهد نمود. البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و بالابردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری نمایند.

عدم توجه به عقلانیت دینی: یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی عدم توجه به عقلانیت دینی است. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح فقه پویا نامیده شده است یکی از جنبه های مهم اسلام است که در میان برخی از جوامع مورد غفلت واقع شده و یا در برخی موارد دیگر با افراط مواجه گردیده و آسیب های جدی وارد نموده است.

تکیه بر عقل بدون توجه به تعالیم دینی و بر خلاف آن عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی در فرایند احکام فقهی مانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی خواهند شد.

انحراف و کج فهمی در گروه های مرجع: گروه های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می باشند. هرچه این گروه هابتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن سازی نوین اسلامی بادقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راهها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدید های فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالتها و ارزشهای دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی می باشد، علی الخصوص برای نسل های جوان و نیز نخبگان و تحصیل کردگان جامعه که به عنوان گروه های مرجع شناخته شده اند. انحراف و غرب زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان های تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

نتیجه گیری :

راهکارهای مقابله با این چالش ها و موانع را می توان چنین بیان کرد:

کم تحمل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: گروه های مرجع در این زمینه وظیفه دارند با آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از این موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به این جریان واقعی ساخته و با تشریح وضعیت موجود و اهداف و آرمان های مطلوب جامعه تمدن نوین اسلامی از سرخوردگی و ناامیدی مردم جلوگیری کنند. بدیهی است در این راه می بایست در برابر شبهه افکنی ها و تلاش هایی که مخالفان و گروه های رقیب، از آمادگی کافی ذهنی و فکری برخوردار باشند.

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش ها: دقت در تطابق فعالیت ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

فرهنگ مهاجم غربی: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می بایست با ارائه راهکارها و روشننگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد.

اختلاف افکنی در میان مسلمانان: راهکار اصلی در فرهنگ سازی و روشننگری در میان جوامع مسلمان است. این وظیفه می بایست توسط دولتمردان از یک سو و از سوی دیگر توسط اهل فکر و فرهنگ و متفکران و اندیشمندان و رهبران دینی انجام پذیرد.

طغیان مادی نگری در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات.

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: فراهم ساختن زمینه های مناسب جهت فعالیت صحیح اقتصادی، جلوگیری از سو استفاده های مالی در میان گروه های مرجع، مبارزه با مظاهر آشکار فقر و زدودن آن از چهره جامعه

عدم توجه به عقلانیت دینی: ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به سوی این مسیر روانه نمود.

انحراف و کج فهمی در گروه های مرجع: برای مقابله با این مانع می بایست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعیت آموزش و پرورش و حوزه تحصیلات تکمیلی و اهمیت قائل شدن به این حوزه نمود. با آموزش صحیح مبانی فکری و فرهنگی و تامین و تهیه کتب و منابع آموزشی به ویژه در حوزه علوم انسانی از انحراف در گروه های مرجع و از غرب زدگی آنان جلوگیری نمود و به تبع آن هدایت صحیح مخاطبان گروه های مرجع که عموم مردم جامعه هستند دست یافت.

بررسی مؤلفه های تحول در ساختارهای تمدن نوین اسلام

طرح مسئله :

اسلام با ظهورش تمدن شکوهمندی را پی ریزی کرد. ولی اکنون از دوران طلایی خود فاصله گرفته و نیازمند تحول در ساختارهایش می باشد. در چند قرن اخیر پیشرفت های علم، تکنولوژی، صنعت، اطلاعات و... مرهون تمدن مدرن غرب بوده است. با این وجود حس کمال طلبی و گرایش به معنویت در میان انسان ها رونق دارد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران مبنی بر حاکمیت دین اسلام برای مدیریت جامعه براساس نظر اسلام پرسش هایی را به وجود آورده است.

به عنوان نمونه : **آیا آموزه های دین اسلام، ظرفیت تولید سیستم برای مدیریت زندگی را دارند؟ آیا سیستم های دینی می توانند نیازهای بشر را پاسخ دهند؟** و سؤالات دیگری که ممکن است در این حوزه بوجود آید. بنابراین اگر دین اسلام ادعای مدیریت زندگی بشر را در شبکه هستی و به شکل بهینه داشته و دارد باید این مدیریت را در ساختارهای تمدنی پیاده نماید و پاسخگویی نیازهای بشر امروزی در شبکه هستی باشد. دین اسلام در دهه های اولیه پیشرفت شگفت آوری داشته و مرزهای تمدن اسلامی از غرب تا شمال آفریقا و اروپا و از شرق تا هند و چین گسترش یافته بود. این امر نشان دهنده ظرفیت جهانی سازی و ارائه ساختارهای تمدنی در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تمدن اسلامی بوده است. اما در عصر کنونی وضعیت تغییر یافته و از آن تمدن شکوهمند خبری نیست، و حتی ساختارهای تمدنی مدرن غربی در کشورهای اسلامی بکارگرفته می شود و نقش دین در حد یک پدیده شخصی تقلیل یافته است.

این وضعیت ما را با سوال اساسی مواجه خواهد کرد: **چگونه می توان در وضعیت کنونی تمدن اسلامی تغییر ایجاد نمود؟** در این راستا، مسأله ما بررسی مؤلفه های تحول در ساختارهای تمدن براساس نگرش اسلام است. و به دنبال شناخت ظرفیت و توان گزاره های دینی در جهت بازسازی ساختارها و سیستم های دینی در نگاه تمدنی و تمدن سازی اسلام خواهیم بود.

ساختارهای تمدن:

بنا بر تعریف ارائه شده از تمدن اسلامی که در آن تمدن، شبکه ای از ساختارهای کلان معرفتی، قانونی و فرهنگی است. این تعریف سه ساختار اصلی و اساسی را برای تمدن معرفی می نماید: ساختار معرفتی، قانونی و فرهنگی.

تمدن، شبکه پایدار ساختارهای کلان معرفتی، قانونی و فرهنگی، در مقیاس جمعی، برای پاسخ گویی به هرم نیازهای انسان در شبکه هستی است

ساختار معرفتی :

در این رویکرد مفهوم معرفتی، نظام فکری و باورهای است که افراد جامعه سبک زندگی و رفتارهای خود را بر اساس آن پایه ریزی می نمایند. این نظام فکری و اندیشه ای ممکن است ریشه الهی داشته باشد. یعنی برای آن منبع و مصدری از ماوراء معتقد باشند که توسط پیامبران در قالب معارف، قوانین و توصیه ها به مردم ابلاغ شده است؛ و یا ریشه در اندیشه بشری داشته باشد .

این نظام فکری، معادل جهان بینی و ایدئولوژی است. مباحث هستی شناسی، انسان شناسی، مبدأ شناسی، معادشناسی، دین شناسی و ... را در بر می گیرد. تلقی هر شخصی از این موارد باور خاصی را در فرد ایجاد می کند. مثلاً باور به اینکه جهان دارای خالق هست یا خیر، دو نوع جهان بینی کاملاً متمایز به جهان را پدید خواهد آورد. کسی که برای جهان خالق قائل نیست، بینش او انسان محوری و رفتارش منفعت طلبی خواهد شد و اعتقاد به ایثار و فداکاری بی معنا خواهد بود.

ساختار قانونی :

قانون معادل واجبات و محرمات در احکام فقهی در نظر گرفته شده است. زیرا قانون ماهیت الزامی دارد که تخطی از آن مستلزم مجازات و جریمه خواهد بود. واجبات و محرمات در احکام فقهی هم الزام آور بوده و ترک واجبات و مرتکب شدن محرمات مستلزم عقاب و مجازات خواهد بود که برخی از این مجازات ها آثار وضعی دارد. یعنی در همین دنیا مرتکب آن تخلف حد می خورد و یا مجازات دیگری برای آن تعیین می گردد. و برخی آثار دیگر آن در جهان آخرت محسوس خواهد شد.

ساختار فرهنگی :

تمدن، «فرهنگ ساز» است نه اینکه خودش فرهنگ باشد یا برخاسته از فرهنگ باشد. زیرا پس از شکل گیری تمدن و تولید فرهنگ متناسب، تاثیر فرهنگ ایجاد شده در ارتقاء و خلق ساختارها و سیستم های تمدنی، سبب بهبود و ارتقاء تمدنی و در نتیجه ارتقاء و بهبود سطح فرهنگی جدیدی خواهد شد. به عنوان نمونه در فرهنگ اعراب قبل از اسلام، زنده به گور کردن دختران امری عادی، قمار و شراب خواری عادی رایج و جنگ و خون ریزی جزو افتخارات شمرده می شد. ولی بعد از اسلام، حقوق برابر همه انسانها، ارتقاء جایگاه زنان، دستگیری از ضعیفان، حرمت شراب و قمار و مانند آن، به فرهنگی رایج در میان اعراب تبدیل شد.

سیستم ها و ساختارها زمینه ساز تولید رفتارهای یک جامعه است. سیستم ها و ساختارها بر مبانی و اصولی استوار می گردند. سیستم ها و ساختارهای تمدن اسلام مبتنی بر نظر اسلام و متخذ از آیات و روایات است .

مؤلفه های تحول در ساختارهای تمدن نوین اسلامی

برای احیاء تمدن الهی اسلام نیازمند تغییر (حرکت) در نگرش به هویت دین از نگاهی تاریخی، فردی(مکلف محور) و پدیده ای غیرفعال به نگاهی سیستمی با فعال سازی یا تولید سیستم ها بر اساس گزاره های دینی برای احساس حضور خدا در صحنه زندگی هستیم .

۱. **نگاه سیستمی به دین** : تلقی های رایج از دین، دین را بیشتر به امور شخصی یا حداکثر شفاف سازی تکالیف فردی در مقابل شارع مقدس تبیین و تفسیر کرده اند و انتظار تولید ساختارها و مدل های اداره جامعه را از دین ندارند و تصور برنامه ریزی دین در سطح تمدنی برای ارتقاء کیفیت زندگی بشر و تأمین سعادت او در شبکه هستی را دور از انتظار می دانند. با مرور اجمالی تعاریف ارائه شده درباره دین، این طرز تلقی مورد تأیید قرار نمی گیرد. به چند نمونه از تعاریف اشاره می کنیم:

مراد از دین، مکتبی است که از مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی تشکیل شده است و هدف آن، راهنمایی انسان برای سعادت مندی است. دین به این معنا بر دو قسم است: دین بشری و دین الهی (انتظار بشر از دین، جوادی آملی)

دین عبارت است از: روش خاص در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می کند، و هم در عین حال با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است، ناگزیر چنین روشی باید در شریعتش قوانینی باشد که متعرض حال معاش به قدر احتیاج نیز باشد . (ترجمه المیزان، علامه طباطبایی)

دین باید برنامه لازم برای تحت پوشش قرار دادن تمام روابط انسان را در تمام لایه ها و سطوح به طور مطلوب و بهینه داشته باشد .

انسان دارای روابط چهارگانه است :

- ارتباط انسان با خود (سلامت بدن، روان(احساس)، فکر(ایدئولوژی)
- ارتباط با همنوع (خانواده، نزدیکان، همسایگان، همکاران، ...)
- ارتباط با دنیا (حیوانات، زمین، هوا، جنگل ها و مراتع، ...)
- ارتباط با ماوراء (فرشتگان، مجردات، برزخ، قیامت، ...)

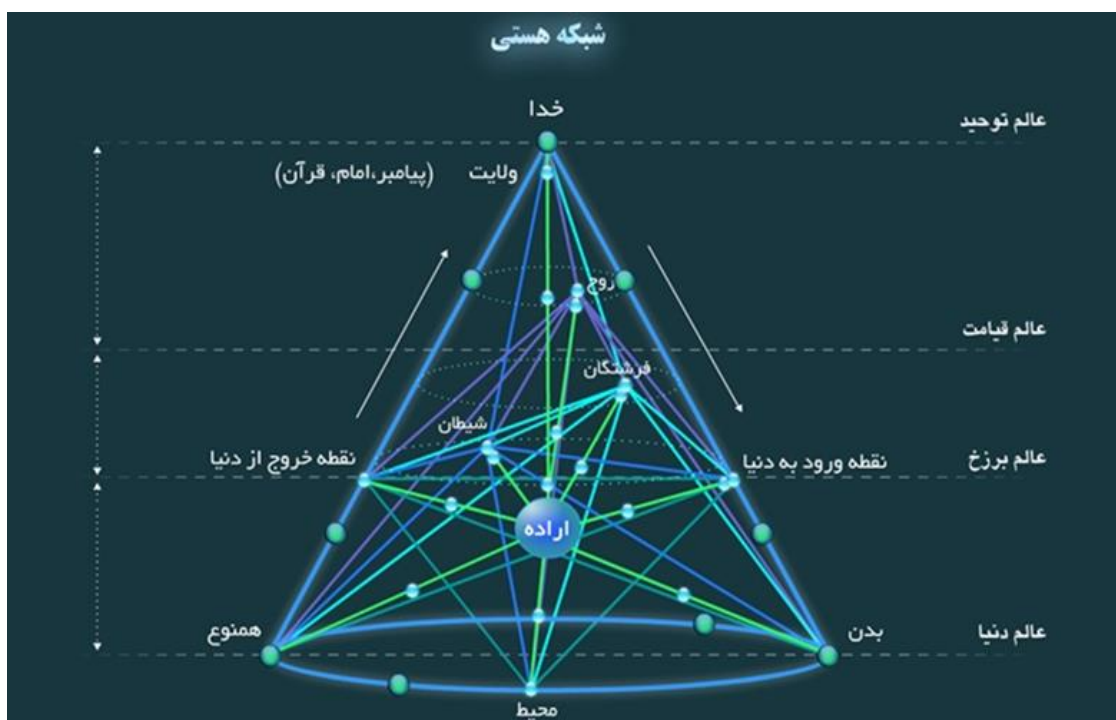
بنابراین پیشنهاد می گردد که نگرش خود به دین را به نگرش سیستمی ارتقاء دهیم .

در نگاه سیستمی به دین آیات و روایات ظرفیت برنامه سازی دارند و صرفاً گزاره های توصیف کننده یک واقعیت یا توصیف کننده یک ارزش اخلاقی نیستند؛ بلکه معنای برنامه ای و راهبردی دارند؛ مثلاً «... النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ، ...» که گزاره اخلاقی به ظاهر ساده است و نیز «... و نظم امرکم...» که یک گزاره توصیه ای به ظاهر ساده به نظر رسیده و به جرم اخلاقی بودن در استنباط های فقهی به آن توجه نمی شود. می تواند به راهبردهای کلان در مدیریت جامعه تبدیل شود؛ مثلاً با استناد به روایت اول می توان این راهبرد را نتیجه گرفت: کشور اسلامی، باید تمیزترین کشور در سطح منطقه باشد. و یا به استناد به روایت دوم می توان گفت: کشور شیعه باید منظم ترین کشور دنیا باشد»

الف . مدل نیازها:

جهان بینی های گوناگون تعاریف متفاوتی از نیازهای انسان ارائه می دهند . می توان گفت درباره نیازهای انسان دو نگاه کلی وجود دارد که مبتنی بر نوع شناخت انسان است. نگاه نخست انسان را موجود تک بعدی می داند. یعنی انسان فقط موجود مادی است و نیازهای او در امورات جسمانی و احساسی خلاصه می گردد. نگاه دیگر علاوه بر نیازهای مادی، نیازهای معنوی انسان را در جدول نیازهای او برمی شمارد.

مدل و الگوی نیازهای انسان براساس نگرش سیستمی به دین همه روابط انسان در لایه ها و سطوح مختلف را تحت پوشش قرار میدهد. البته مدل نیازها براساس نگرش اسلام پروژه ای است که باید تولید شود تا براساس آن مدلها و سیستم های دینی تولید گردد.



ب . طرح تحول در طبقه بندی علوم:

طبقه بندی علوم از ضروریات اولیه زندگی انسان برای بازیابی اندوخته های علمی و تجربی است . دانش و علوم بشری در حال تحول و تکامل است و همواره به دانش و معرفت بشر افزوده می گردد. به همین منظور تعیین جایگاه برای علوم و معارف جدید بشری در طبقه بندی علوم نقش مهمی به خود خواهد گرفت .

علم یا شاخه علمی باید جایگاهش روشن شود تا بعد بتوان رابطه آن را با بقیه علوم مشخص نمود ... اگر طبقه بندی نباشد بازیابی معارف انسان ممکن نیست . طبقه بندی علوم در فرهنگ عربی- اسلامی، تابلوی تمام نمای تحولات اندیشه، علم و فرهنگ است؛ از سوی دیگر گویای اصالت کارنامه تمدن اسلامی است . نشان اهمیت نظام طبقه بندی و انشعابات علوم در تمدن سازی است زیرا در تمدن زیرساخت ها اهمیت فراوان دارند . به عنوان مثال اکنون در طبقه بندی های رایج (دیویی)، علوم انسانی تابعی از علوم تجربی و علوم پایه است. یعنی علوم انسانی جایگاهی تبعی نسبت به علوم تجربی و علوم پایه دارند. در حالی که علوم انسانی باید از لحاظ رتبه مقدم بر علوم تجربی و پایه قرار داشته باشد. زیرا شرافت انسان و کرامت انسان از سایر موجودات بالاتر است. و علوم مرتبط با انسان نیز به تبع آن شرافت و کرامت پیدا می کند و رتبه تقدیمی خواهند داشت.

هدفگذاری در این نوع طبقه بندی ها بسوی جهان مادی و نقشه راه آنها در راستای تأمین نیازهای مادی قرار گرفته است . در حالیکه براساس آموزه های اسلام هدف و مسیر حرکت انسان در جهت رسیدن به عالم توحید تبیین و معرفی شده است. بنابراین الگوگیری از روش آنان در طبقه بندی دانش، باعث تأثیرگذاری فرهنگ آنها بر فرهنگ اسلامی خواهد شد .

در طرح طبقه بندی علوم براساس نگرش سیستمی به دین، محورهای ارتباط انسان با خود، همونوع، محیط و ماوراء به عنوان محورهای اصلی این طبقه بندی قرار دارد و جهت حرکت آن به سمت عالم توحید است و براساس این محورهای کلان سایر علوم و زیر شاخه های آن تقسیم و رتبه بندی می شوند .

نتیجه:

تمدن سازی و تولید ساختارهای تمدنی اسلام باید مبتنی بر نظر اسلام باشد . برای دست یابی به این فرآیند، نیازمند تغییر نگرش به دین، از نگرش خرد و بیان کننده احکام شخصی (تعیین وظیفه مکلف) به نگرش کلان و تمدنی (نگرش سیستمی) خواهیم بود. در این نگرش گزاره های دین (آیات و روایات) ظرفیت برنامه سازی دارند. بر این اساس گزاره های دینی محور استخراج مدل ها و سیستم های تمدن اسلام خواهند بود .

طرح مسئله :

در اسلام، به ویژه در مذهب تشیع، مهدویت جایگاه رفیعی دارد. مفهوم مهدویت به معنای توجه به آینده و تشکیل حکومت واحد جهانی بر پایه عدالت و رهبری امام معصوم می باشد. فرهنگ مهدویت و باورداشت به مساله انتظار و بازگشت امام غایب با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، به گونه ای که این مفاهیم سبک فکر و زندگی شیعه را تبیین کرده است. نخستین اصل و مبنای فکری شیعه در ارائه سبک زندگی شیعی اعتقاد به حقانیت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انتظار برای شکل گیری جامعه توحیدی است. نمود عملی مفهوم انتظار می بایست در سبک زندگی در جامعه آشکار گردد. سبک زندگی اسلامی و در مفهوم متعالی آن در سبک زندگی شیعی، یکی از پایه های ایجاد تمدن نوین اسلامی است .

بر این اساس تمدن نوین اسلامی می بایست سبک زندگی اسلامی را بر پایه اصول و مبانی ایده مهدویت در جامعه برقرار سازد. **مساله اصلی آن است که انتظار چیست و ویژگی های منتظر واقعی کدام است؟ عناصر اصلی و شاخصه های تمدن و جامعه مهدوی چیست؟**

مفهوم انتظار و شاخصه های جامعه منتظر

انتظار در اعتقاد تشیع دارای محتوایی اصلاح گر، تحرک آفرین، و تعهدآور است که عالی ترین و ارجمندترین نوع بندگی حق تعالی و در نتیجه برترین عمل و نیکوترین تلاش و جنبش می باشد . انتظار سازنده و صحیح ، مکتب انسان سازی است. انتظاری که برترین اعمال امت پیامبر شمرده شده است، ریشه و اساس خودسازی افراد و ساختن جامعه است. تا امید و انتظار و در نتیجه صبر و تحمل مشکلات نباشد، انسان قادر به خودسازی و دیگر سازی نیست. انتظار به انسان امید و عشق می بخشد، توان و حوصله و حرکت و تلاش می دهد؛ و در نتیجه، افراد را امیدوار، شاداب، پرتلاش و هدفمند بار می آورد .

منتظر واقعی می بایست ویژگی هایی داشته باشد که برجسته ترین آنها را می توان چنین بیان کرد:

۱. درک ضرورت انتظار ظهور حضرت مهدی به عنوان قائم آل محمد :یکی از مهمترین شاخصه های اعتقادی شیعه، اعتقاد راستین به ظهور قائم آل محمد است و در روایات مختلفی بر این نکته تاکید گردیده است.

شناخت و معرفت نسبت به امام زمان : مهمترین شرط انتظار، معرفت است. انسان تا وقتی که میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد ولو بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند.

در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش و مقام او را می دانند منتظر او می مانند. کسانی که امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنان که پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است»

محبت نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) : وظیفه دیگری که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند محبت نسبت به ایشان است. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او را بشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد .

تا هنگامی که محبت به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «...قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربى...بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)...»

تخلق به اخلاق اسلامی : در فرهنگ انتظار کسی که در وادی تکلیف قدم می گذارد و از نظر قلبی منتظر می شود در عمل هم به باید ها و نباید ها شرع مقدس احترام می گذارد. صفات بد را از خود دور می کند و خود را به صفات خوب آراسته می کند و دلیل بر این مطلب فرموده ی امام صادق(علیه السلام) است که می فرماید: «هرکس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او همانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند، پس (در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی) بکوشید...».(بحار الانوار، مجلسی)

مشخصه های جامعه مهدوی

تمدن نوین اسلامی، دربردارنده ضروریات و مقدماتی است که زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گردد. از این رو مهمترین این شاخصه ها را می توان چنین بیان نمود:

اجرای دقیق و کامل قوانین و احکام اسلام

پایه و بنیان خوشبختی و آرامش در هر جامعه ای رعایت قانون است. در این میان تنها قوانین و مقررات اسلام واقعی است که نیکبختی جامعه انسانی را در دنیا و آخرت تضمین می کند. قوانین اسلام، و احکام و مقررات راستین خدا به جز در زمان پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بطور کامل پیاده نشد، و فعلیت همه آنها در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و جامعه مهدوی محقق خواهد شد.

اجرای کامل عدالت

عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیزی در جای خود و رسیدن هر کس به حق خود و ضایع نشدن حقوق همه موجودات ذی حقوق. حکومت عدل و برپایی قسط و داد آرزوی دیرینه همه انسان های جهان است. تحقق عدالت مأموریت عام همه انبیاء و انسان های صالح است. در تمدن نوین اسلامی با تأسی به آنچه درباره ظهور حضرت مهدی و برپایی عدل و داد توسط ایشان بیان گردیده است، حاکمان جامعه می بایست به برقراری عدل و داد بپردازند. گستره برقراری عدالت در عصر مهدوی گستره ای جهانشمول است.

در جامعه مهدوی، عدالت در همه عرصه های حیات فردی و اجتماعی، بروز و ظهور دارد و آثار و پیامدهای مبارک آن در حوزه های امنیتی، رفاهی، قضائی، فرهنگی، علمی و غیره آشکار می باشد.

رفاه و آسایش عمومی

در تمدن مهدوی و بر پایه حکومت جهانی ایشان، رفاه و آسایش عمومی برای همه مردم فراهم خواهد شد. رفاه عمومی و فقر زدایی در جامعه یکی از شاخصه های تمدن مهدوی است که لازم است در تمدن نوین اسلامی مد نظر قرار گیرد.

مقام معظم رهبری بر این عقیده اند که رفاه گسترده و برخوردارگی از تمامی قابلیتها و استعدادهای نهفته طبیعت از ویژگی های مهم حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است: «در آن جامعه همه نیروهای طبیعت و نیروهای انسانی استخراج می شود، رفاه گسترده فراگیر می شود و چیزی در بطن زمین نمی ماند که بشر از آن استفاده نکند.»

برقراری امنیت عمومی

در اندیشه اسلامی و شیعی، بهره مندی کامل از مواهب امنیت، فقط در پرتو امنیت فراگیر مهدوی در عصر ظهور قابل تحقق است و این رسالتی است الهی که احدی توان انجام آن را نخواهند داشت جز آخرین مصلح الهی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

امنیت مهدوی، الگوی امنیت فراگیر و همه جانبه است که می باید در عصر انتظار، سرلوحه رهبران تمدن نوین اسلامی و منتظران ظهور حضرت قرار گیرد .

در پرتو حکومت عدل امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جامعه از امنیتی برخوردار می گردد که حتی زن جوان بدون هیچ هراسی مسافرت می کند بدون اینکه خطری او را تهدید کند.

احقاق حقوق مظلومان

در تمدن مهدوی احقاق حقوق مظلومان از بارزترین مشخصه هایی است که آشکار خواهد گردید. تمدن نوین اسلامی بایستی به سمت رسیدن به جایگاهی حرکت نماید که در آن جامعه حق هیچ کس پایمال نشود .

در جامعه مهدوی کسانی که به ناحق کشته شوند، و افرادی که به جرم حقیقت خواهی مورد ظلم و شکنجه و قتل واقع شوند، خونشان پایمال نمی شود؛ چرا که حضرت، منتقم خون همه مظلومان تاریخ است؛ انتقام گیرنده خون به ناحق ریخته پیامبران، امامان و فرزندان آن ها و نیز خواهان خون شهیدان کربلاست .

رشد و گسترش علم و فرهنگ

در پرتو نظام عدل گستر مهدوی، مردم از نظر آگاهی، تربیت و فرهنگ، به رشد فوق العاده ای دست می یابند . جامعه مهدوی پس از ظهور، جامعه ای است که از نظر علم و دانش بسیار پیشرفته است .

بنابراین، در تمدن نوین اسلامی، پیروان و منتظران حضرت مهدی، باید جامعه قبل از ظهور را به همین صورت طراحی و اداره کنند. این رویکرد، برگرفته از الگوی جامعه مهدوی است. ما باید با الگوگیری از جامعه مهدوی در هنگام ظهور، نظام مدیریتی خود را در عرصه های کلان اجتماعی ساماندهی کنیم.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه تشکیل حکومت واحد جهانی بر پایه عدالت و رهبری امام معصوم که همان مفهوم مهدویت است اصل و مبنای فکری شیعه در ارائه سبک زندگی است، می بایست مفهوم مهدویت و انتظار برای شکل گیری جامعه توحیدی مهدوی در تمدن نوین اسلامی مد نظر قرار گیرد.

به عبارت دیگر تمدن نوین اسلامی تمدنی است مبتنی بر اصول و شاخصه های جامعه مهدوی. نمود عملی مفهوم مهدویت و انتظار می بایست در سبک زندگی در جامعه آشکار گردد. با دقت و بررسی در آیات و روایات مشخص می گردد منتظر واقعی می بایست از ویژگی هایی نظیر درک ضرورت انتظار مهدی موعود، شناخت آن حضرت، محبت نسبت به ایشان و تخلق به اخلاق اسلامی برخوردار باشد.

انتظار درست و صحیح در جامعه ای شکل می گیرد که بر مبنای ویژگی های تمدنی مهدوی بوده و دارای شاخصه هایی همچون اجرای دقیق و کامل قوانین و احکام اسلام، اجرای کامل عدالت، رفاه و آسایش عمومی، برقراری امنیت عمومی، احقاق حقوق مظلومان و رشد و گسترش علم و فرهنگ باشد. تمدن نوین اسلامی نیز می بایست مشتمل بر این شاخصه ها باشد تا بتوان آن را تمدنی مهدوی به شمار آورد.

والسلام علی من التبع الهدی ...

اللهم عجل لولیک الفرج

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ع پ شهید بهشتی (ره)

